



لطفی و میرزا علی شریعتی و میرزا علی شریعتی  
لطفی و میرزا علی شریعتی و میرزا علی شریعتی  
لطفی و میرزا علی شریعتی و میرزا علی شریعتی  
لطفی و میرزا علی شریعتی و میرزا علی شریعتی

حکم فیلیپ و صعف را پر نهاد  
او صانع خاور دور - نگار را

از همه از مرتب خانه که آن دارد  
هر بروز یک روز آمده و هر چند هر روز  
دایران از شتر مخصوصی فرموده اند که  
مقدار ۱۰۰ گلزار گویی برای این آزاد  
چون گلزار شده همچنان مود از این مقدمه  
همچنان باشکار شده مود از این مقدمه  
خواه از این میانی اگر کوئی در ۴۲ کلومتری  
مود راه است بگذشون بگیر چونی برو  
آن لیگت شهر مرزی چون از زندگی پنهان  
لیکن اینها همچنان مود و موده اند اصرع  
فرانکویا اند  
از طرف دیگر چیزها که درین  
سوانح سمع میگردیم همچنان همچنان  
کامن نموده اند ۵۰۰ کیلومتری شناسانه اند  
و از این انتشار ناری ایشان ایشان را ایشان  
ازین سمت همچنان باشندیز یعنی اینها همه  
ازین اند  
اویشن ایشان کشیده و ایشان  
ایش هست شیوه همود و همودی آنچه  
خوب است ایشان را همود و همودی که همچنان  
درین ایشان میگذرد همچنان ایشان را ایشان  
ایش هست شیوه همود و همودی که همچنان  
چونکه کیانیت این ایشان را ایشان  
گزاری ایشان را درین ایشان را ایشان  
ایشان نموده اند ایشان را ایشان  
سرم ایشان را ایشان را ایشان  
چونکه کیانیت این ایشان را ایشان  
گزاری ایشان را درین ایشان را ایشان  
ایشان نموده اند ایشان را ایشان  
سرم ایشان را ایشان را ایشان  
چونکه کیانیت این ایشان را ایشان  
ایشان نموده اند ایشان را ایشان

رئیس دیر خانه حزب کمونیست امریکا

العنوان: سی ایوان رهانی بو  
از هر سه است: و از هر همان  
که روی تخته کن: و خود: علی خ  
فرماده: فرماده: کی سران مس  
پیروزی لاران: جان مشوه شناس  
شان: فرانسکو: مثل طرف  
در گزاری ایکلیس مشهد و روح خوار  
من زایی ایرانی: علی خ (آذری) و  
خوشی: دل اکبری: احمدی: اوزری  
باعثی: او و اونک: باعثی: ابراهیم  
نشرو پایان: ۲۲: ارجاع: خواهد شد

آفادمات لاؤال و دستگیری زبر و

پالاواں - مجموعی و مفہومان  
مر سرگن داؤ پاٹھیر داشت کاس اس دا  
زیوال لیسو شرافت فری اسے رائے  
دار خواہم کرد  
لاوائی دیکھ رہی ہوئے اصراریں  
لکھ رکھوی خود وے باریں لیروے اکھی  
برداشت و ساز مدد و سناش پر  
باکھن کعنی میعنی را خیرداد و چین  
کفت من اکون کعنی اکھات داد  
فرمیسوی تاریخی میکن خوش خوارم  
کفت آکھاہست داد شناس اخوات زاری  
لیعنی من شاہرا بنا ہاں پار خوارم  
گردانہ و خطہ موسویہ را ہوئے تا  
معلو خواہم کرد  
آکھاہ در میورت سویں منی ما  
بندھانیں شدیدی دست خواہی دے  
رواء حلی کے من در بطریک گرفت ایسا ہے  
کہ شاہرا مولیں با ذریں انتواب  
اکھیں مغلقات کئے

س از پیش خسته و وزیر اکبر  
دست کرد (لوان) بعلت برداشتن از مادر  
داست برگزید من به کامرانی درون کشور  
بسیار کم کار کنون کامرانی را اعطا کرد  
که اسرار اکبری را در مورخان سمع  
نمایند و می خواست هر کسی که از آنها  
نهاده باشد سراسر کشور را  
نمایند و اینها را که از اکبری می خواهد  
هر کسی که در این اخبار را شنید  
میگذرد اینها را بخوبی در اسرار اکبر  
می خواهد که با همانکنی و مخصوصاً  
مالکه ای اکبری که بخوبی در عالم امیر  
لشکر  
صور و نویس مکالمه کرد  
وزیران ایشان را بخوبی  
و زیرین

و می باید نشان را بخواهیم  
جذل فیلیپ  
او صاع خام  
والشکن بـ گردوں ساخت  
که از حرف و درجه های دو  
بر از آن تغییر شده باشد و  
آن همان اندیشه است که این  
که چند میلیون ایالات متحده  
با این اندیشه کردند.  
گردوں بـ خود را اختراع  
آن یعنی جذل است گذاشت هایی داشت  
که تو ای پسر که از پسرها عذر  
گزیند می باید نشان را بخواهد  
گزاری می خواهیم در مقدمه ای مسأله

رئیس دیپرچا  
هنداد و پیغمبر  
والشکر سرگردانی  
حدهمین دوره ولادت راسی  
طریق اگنه (از تیرباران) درین  
دیر ملکه شاهزاده را شاهزاده  
است رسی خواست (لار)  
روزه از بزرگترین (لار)  
پادشاه  
۳۰۱۷ هجری کرد  
نهادی رسیده  
سکولوم در  
آن آن نظرها  
معبد امپور (ایران) درود  
کوست مه مکن مه جو  
دانشکه (الاتا) شریج در زمان  
الشوار و  
هم و ایشان

پویس سرمه و پسر آن را  
که کرد از آن شش سکر و پوند  
چهار میلی و پوند آن را  
پس بخوبی و دست همان  
نهایت گردانید.  
در همینجا هر یک واحد  
که در سه سکه خود قرار گیرد  
نهایت سه سکه چهار میلی و پوند  
دهش را از خود حذف کرد  
محروم شد از سه سکه نیز  
که در اینجا اند آنرا از  
سوان (ویسیک) بر عذر  
پنک و پوند آسانی گذاشت  
و پنک شماره المار سکری

اطهارات شکر اسپر آلان  
 هزار خودروی اگزیکو پیغام  
 در (آف) اعلام کردند  
**چیز چیل - هو انور دان لهستانی**  
 همه گفتند حاصل خواهی بار و مهمات آلمان  
 من آنها را چنانکه  
 آنها بینه  
 هست و زیر چون مل  
 مادر این چنگ سر  
 ایم که همروز ام است  
 کوه و سد هم اولی اکتو  
 چشم هم می بینم  
 همین باش درم  
 در آن وقت بسته بدم

چو خود هر چیزی را که داشت  
برای خود و همچنان که گفت  
و منشی سازی شدکه مانند  
وزیر گی که اکنون بسیار از این  
سکانی را در خود دارد و این  
نه و در آن همکن مانند  
آورده سازمان گذشت و از  
را اخراج مخصوص و از  
دست یافته همراه با خود  
اسفل پیش خواهد بود  
میگشید که مادام  
یعنی مدت نعمتمندی است  
دشن همکنی میگشند و این  
از هر چیز برای این سه  
اگر کن خود چیزی که نمیخواهد  
نمیگذرد و در حقیقت اگر کن مادر  
میگذرد و در حقیقت اگر کن مادر  
خود مخصوص و آزمودن  
مادر یا پدر که از مذهبی  
داری سر و شرخی دارد  
که این مخصوص است

موقعاً من مسرد  
أي استعمال عن كفر أو  
مسكت الطهارة عن  
هذه حسنة العدل و  
مسكت  
الآلات والآثار العلاجات  
وغيرها من مسح  
تش شارعه  
(كفر) زرقة حور عدوه  
رسوب غسله من  
ذنوبه ملائكة  
كفره است  
أولى مسكت  
فاند كفرى زرقة  
(جزء) بروهى

گرده چشم مهد  
و سندھن بخت داد  
میون اندھا واره آئمه  
دیال یمن مهد  
و گلائے ہجن مهد  
و ایک یہود ہنگی  
در ازویز ام  
لک و احمد شور  
لک و لک و لک و لک  
شست و چور مسلسل  
امالو و مدار را گلکی  
حد اڑا ہنگی کوئی  
و پاصلہ بارخاک و  
و چندیں اسکو  
گرد اس  
در بزمی از زمین  
گرمه سوادی کوئی  
ریاضان کمل میں

مشتاد و پیغمبر  
آشایشگاه‌ها  
سپاهان‌پور، سرخ  
الکترون ملودان این  
جهان روز داده است  
دستگاری انسان اند  
همه امصاره همان  
آشایشگاه شد  
که این  
سرخانه ای  
سرخ کارگاه راه است  
معینه ایکون چیزی روز  
نهضت سام در تنهایی خود  
روز و لذت عذری اخیرین  
آسمان در غیر این روز  
ملائمه ننمایی

که در معمور جمهور  
معادل معاشر شهروند  
اگر از موعد انتخابی  
موشوعه که در  
بروک باشد باز  
شهر بسیار معاشر  
و مقصود مشترک  
می‌باشد برای شناسو  
آورده است.  
نه کن  
و من اینست که آن  
در مدت از آغاز  
کوچک را می‌توان  
هان مقصود نمایم  
بینند که تراز که  
تحتفل روح یعنی  
رسانه متناسب است  
می‌باشد.  
علاوه این هم  
می‌توان اینجا  
که باشد و پس

مهدیان  
 دینیں بیدل پا  
 اسران جان  
 سیلہ میرشان  
 مکھنگ کر  
 جیہے حسنان  
 بچد و سہ کام  
 و مکھار ایش  
 اکنیں وا رہو  
 دینیں بیدل پا  
 بوش ایش  
 بوش ایش  
 بوش ایش  
 می سکر آ  
 ایش بہیسوی  
 ایش بہیسوی

همه سواد  
 طی درود  
 بر این شلشله  
 نهاد و نایاب از  
 گرفته و مدهم  
 جنکی مدت  
 لندن، آلمان  
 ایکسپرس  
 من میگرد  
 بعد زیارت  
 شوریوی اسری  
 مازارشال  
 مونت کالی  
 پروردی خواهد  
 شد و خواهد  
 اخلاصات کنم  
 مک بو (ازیر کر) و (اسپا)  
 افراد مددسانه و آورده  
 بود و پهلوی شدن بروی  
 ماهیانه سوشک و بخوبه خواه  
 بدم است  
 و بشی - خس کاری اسکس  
 بعده که هرگز کاری فرستاد  
 ایکسپرس کام ای ایکسپرس  
 شده اموزه باوارو گه از ش  
 پروژه ایکسپرس از آنکه  
 مخفوظه دفعه آنرا هم  
 بایک به موضعی شهر خواهد  
 است  
 بون جانه برد کمی بن بروی  
 من در سورون شهر حالت  
 مک بو - برداخال علاوه هر گز از

گلوبون کرد  
عصار (کات)  
شالوو همکت  
المانکن  
از هر سه  
در زمان  
دری چوب در  
معروفیت  
دیگر افسوس  
لندن  
چیزی که کاروش  
اسه که بروم  
کرج زاده دارد  
مقفلات و سوس  
بیرون کر  
وریانی و اشنون  
دیگر میتوانند  
دارایی مسکو و وزیر شده  
جزیری که از رسک کرد (زراسکی)  
کوک افدوه اصلانعث شوروی و از  
روک و سیدمیش زیر الشتر

میگویند  
نه فقط این ها  
نامه است  
آنچه شنید  
که کار کرد  
شنه بزیر  
سرمه دارد  
برو آمدند  
آهای بزرگ  
یکی از  
مشت میتواند  
شلوغی از  
که سرمه کرد  
ویک محال  
دو شنبه  
شروع شد

ر منطقه اين گردد و در آنها  
والي ملاده است گردد سپاهار مهم  
نه همچنان از اش آنها همچنان  
جهه خارجیکند تا مردم شاهی  
**(هر چند چوتوت)** است و این در  
آنهاست که در آغاز جنگ بهم  
فرانسیسيون از رش رو به رو شود  
واز همچنان دار و دار در صورت  
که اینها همچنان باید گردند و سـ  
در دو دهه اخیر اکسلسیون شاهی  
مدين ازش را بهم گرفتند و دـ  
و هشت ساله است و دو سنـ  
سيمپتون گفت همه در سدار ازش  
گشـ  
مسکو، حق افشار هم گذاشت  
پرسی میانه شاهزاده اراهمگیـ  
روی که در وحشت خلیل گرد شـ  
هد و در وحشت خلیل گرد شـ  
بلات آین چند را که سراجـ  
ای شهروزی متنبی شـ



